جامع‌نویسان پیش از کلینی

دکتر سیّد کاظم طباطبایی*

علّیه رضاداد**

چکیده

در مقاله حاضر، سعی گردیده است تا با اشاره‌ای کوتاه به جامع‌نویسان پیش از کلینی، این فرضیه، اثبات شود که قبل از کتب اربعه نیز جامع حدیثی دیگری، تبویب و تدوین گردیده است. نگارنده، همچنین در پی آن است تا فرایندی را که به تکامل نگاشته‌های حدیثی و در نتیجه، به تدوین کتب اربعه و به اصطلاح «جوامع حدیثی متقدّم» منجر شده است، مورد بحث و بررسی قرار دهد. از این رو، وی به کنکاش در کتب تراجم و رجال پرداخته تا کتبی را که تحت عنوان «الجامع» قبل از کتب اربعه، نگاشته شده‌اند، شناسایی نماید. در این میان، وی به معرّفی جوامع حدیثی مانند: *الجامع فی الفقه، الجامع فی سائر أبواب الحرام و الحلال، کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام، الجامع الکبیر فی الفقه، کتاب مبوّب فی الفرائض* و... پرداخته و نحوه تبویب در این جوامع و اعتبار آنها را نزد علمای بزرگ رجال (مانند نجاشی و کشی) بررسی نموده است. نگارنده، پس از معرّفی ۳۳ کتاب جامع حدیثی، به این نتیجه مهم می‌رسد که کتب اربعه، از جمله *الکافی*، کهن‌ترین جوامع حدیثی شیعه نیستند و جوامع حدیثی، فرایند مختلفی را طی کرده‌اند تا به کتب اربعه رسیده‌اند.

کلید واژه‌ها: جوامع حدیثی، جامع‌نویسان، کتب اربعه، کلینی.

درآمد

این مقاله، در پاسخ به این سؤال شکل گرفته که: تکامل نگاشته‌های حدیثی، چه فرایندی را پیموده‌اند تا به صورت کتب اربعه، و به اصطلاح «جوامع حدیثی متقدّم»، درآمده‌اند؟ بنا بر این، به کاوش در کتب تراجم و رجال پرداخته شد تا کتبی که با عنوان «الجامع» نگاشته شده‌اند، شناسایی شوند. در این میان، عناوین دیگری نظیر: «الفقه المکمّل»، «ثلاثین کتب»، «النوادر» و حتی «مشیخه» یافت شد که ویژگی

* استاد دانشگاه فردوسی مشهد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد.

اصلی کتب جوامع، یعنی «تبویب بر اساس موضوعات فقهی» را دارا بود. از این‌رو، این گونه کتب نیز در زمره جوامع محسوب گردید.

یکی از دلایلی که به ما اجازه می‌دهد تا «کتب ثلاثین» را از جمله کتب جوامع برشماریم، تبویب کتاب *الکافی* است که به تقلید از «کتب ثلاثین» پیشین، نظیر کتاب حسین بن سعید، در سی کتاب، تنظیم شده است. شیخ طوسی در توصیف شیخ کلینی می‌نویسد:

> له کتب منها: *الکافی* یشتمل علی ثلاثین کتابا أوّله کتاب العقل و فضل العلم، و کتاب التوحید، و کتاب الحجّة... و کتاب الروضة آخر کتاب *الکافی*.[1]

پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش، سلسله مقالاتی با عنوان «تحقیق درباره کتاب *الکافی*» به خامه آیة الله محمّد واعظ زاده خراسانی در ماهنامه *نامهٔ آستان قدس* به چاپ رسیده است.[2] در آن مقاله‌های پیاپی، شماری چند از جوامعی که پیش از *الکافی*، به رشته تألیف در آمده‌اند، معرفی شده است. این پژوهش، با الهام از آن نوشتار و برای تکمیل و توسعه آن، انجام شده است.

معنای جامع

پیش از معرّفی جامع‌نویسان پیش از کلینی، از باب مقدّمه، لازم است که معنای «جامع» را در لغت و اصطلاح بازگوییم.

یک. جامع در لغت

جامع در زبان عربی، بر مفاهیمی که در آنها جامعیت و احاطه‌ای وجود دارد، اطلاق می‌شود. مسجدی را که در آن، نماز جمعه برپا می‌گردد، از لحاظ گردآمدن شمار بیشتری از مردم در آن، «المسجد الجامع» می‌خوانند. سخنی را که لفظ آن، اندک و معنایش بسیار باشد، «الکلام الجامع»، «جوامع الکلم» و «کلمه جامعه» می‌گویند. روز جمعه را هم ـ که هنگام اجتماع مردم است ـ ، «الیوم الجامع» می‌گویند. به دیگ بزرگ هم «قِدرٌ جامعه» گویند. غُلّ (بند و زنجیر آهنین) را هم «الجامعه» خوانند؛ زیرا دستان زندانی را به گردنش می‌بندد[3] و به تازگی دانشگاه را هم از آن جهت که رشته‌های گوناگون دانش را در بر می‌گیرد «جامعه» نامیده‌اند.[4]

---

۱. *رجال الطوسی*، ص۲۱۰.
۲. ر.ک: *نامه آستان قدس*، ش ۲ ـ ۱۲، دی ۱۳۳۹ ـ خرداد ۱۳۴۱.
۳. *الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیّة*، ماده جمع.
۴. *المعجم الوسیط*، ماده جمع.

دو. جامع در اصطلاح

جامع ـ که جمع آن جوامع است ـ در اصطلاح، کتاب حدیثی را می‌گویند که در آن، احادیث، بر اساس موضوعات فقهی، تنظیم شده باشد.[5] به عبارت دقیق‌تر، جامع در اصطلاح حدیث‌شناسان، کتابی است که احادیث و ابواب آن، تمام یا اهمّ موضوعات دینی را در بر می‌گیرد. برخی، شمار ابواب (یا سرعنوان‌های) اصلی این موضوعات را هشت عنوان دانسته‌اند: عقاید، احکام، تاریخ و سِیَر، آداب خوردن و آشامیدن، تفسیر، فتن و اشراط السّاعه، شمایل یا باب سفر و نشستن و برخاستن، مناقب و مثالب.[6]

در واقع باید گفت، محقّقان مسلمان، از گستردگی و فراگیری این واژه بهره برده‌اند و آن دسته از کتاب‌های خود را که در موضوع خود، جامع الأطراف و در بردارنده همه یا بیشتر مسائل وابسته به آن موضوع بوده، «جامع» خوانده‌اند. گاه نیز با ترکیب وصفی یا اضافی، مثلاً گفته‌اند: «جامع الصحیح» یا «جامع الأحکام» و گاهی نیز بی‌آن که خودِ این واژه را به کار گیرند، با عناوینی چون: «الکافی» و «الوافی» به این فراگیری اشاره کرده‌اند.

آغاز جامع‌نویسی

آنچه امروزه به عنوان «جوامع روایی متقدّم» شهرت دارد، همان کتب اربعه یعنی *الکافی*، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، *تهذیب الأحکام* و *الاستبصار* است؛ امّا این که این چهار کتاب را به طور مطلق، به عنوان نخستین جوامع روایی محسوب کنیم، مطلبی بر خلاف حقیقت است؛ چون این کتب، حاصل گردآوری اصول و جوامع متقدّم است. از مرحوم آیة الله آقا حسین طباطبایی بروجردی نقل شده که وی از کتب مورد بحث به «جوامع اوّلیه» و از کتب اربعه به «جوامع ثانویه» یا «جوامع اخیره» (نسبت به آن جوامع، نه نسبت به جوامع تدوین شده در قرن یازده و دوازده هجری) یاد می‌کرده‌اند.[7]

از سرگذشت جوامع و تعداد آنها اطّلاع دقیقی در دست نیست؛ زیرا در این زمینه، به اصطلاح مورّخان، مطالعه بر اساس متون[8] نیست، بلکه بر اساس اثر و ردّپایی است که از آثار متقدّمان، بر جای مانده است.[9] از این رو، هرگونه اظهار نظر درباره محتوای این کتب، افزون بر آن که مطالعه‌ای گسترده در منابع روایی متقدّم و متأخّر را می‌طلبد، دقیق نخواهد بود.

معرّفی جامع‌نویسان پیش از کلینی

۱. *الجامع فی الفقه*، ثابت بن هرمز ابی المقدام، از راویان زیدی مذهب[10] امام زین العابدین ﷺ.[11] این

۵. *معجم مصطلحات الرجال و الدرایة*، ص۵۰.

۶. *منهج النقد*، ص۱۹۹.

۷. «تحقیق درباره کتاب الکافی»، محمّد واعظزاده خراسانی، نامه آستان قدس، ش ۷، ص۱۲.

8. Text study.

9. Trace study.

۱۰. *معجم رجال الحدیث*، ج۴، ص۴۱.

۱۱. *رجال الطوسی*، ص۱۱۱.

کتاب، بر اساس موضوعات فقه تنظیم شده[12] و آن را از امام چهارم‌ روایت کرده است.[13] رجال‌شناسان شیعه، ثابت بن هرمز را مورد اعتماد ندانسته و او را مهمل و ضعیف معرفی کرده‌اند؛[14] امّا رجالیان اهل سنّت، وی را توثیق کرده‌اند.[15]

۲. *الجامع فی سائر ابواب الحرام و الحلال*، ظریف بن ناصح کوفی، از اصحاب امام باقر[16] او در بغداد می‌زیسته و تا پس از سال دویست هجری، در قید حیات بوده است.[17] رجال‌شناسان، او را ثقه و صدوق دانسته‌اند.[18] از دیگر آثار وی، *النوادر*، *الدیات* و *الحدود* است که نجاشی به چهار واسطه از آنها روایت می‌کند.[19] آقابزرگ تهرانی، از جملهٔ آثار او، «اصلی» را بر می‌شمرد که از اصول مورد اعتماد بوده و در جوامع حدیثی و فقهی، روایاتی از آن نقل گردیده است و آن گونه که احتمال داده‌اند، اصل مذکور، همان کتاب *الدیات* وی است؛[20] امّا درباره «جامع» او آگاهی‌ای در دست نیست.

۳. **کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام**، محمّد بن علی بن ابی شعبة حلبی (م ۱۴۸ ق)، مشهورترین فقیه خاندان آل ابی شعبة[21] و از فقهای برجسته کوفه. نجاشی وی را ثقه دانسته است.[22] از آثار دیگر او کتاب *التفسیر* است[23] که ابن عقده (م ۳۳۳ ق) به دو واسطه از آن روایت می‌کند.[24] در واقع، بخش عمدهٔ کتاب عبد الله بن مُسکان، درباره حلال و حرام، از کتاب مبوّب حلبی بوده که ابن مسکان، نکاتی را به آن افزوده است.[25]

٤. **جامع**[26] **یا اصل**، عبید الله بن علی بن ابی شعبة حلبی (م ۱۴۸ ق)، بزرگ خاندان آل ابی شعبه[27] و از شخصیت‌های برجسته کوفه در میانه قرن دوم که به سبب روابط تجاری با حلب، نسبت حلبی داشتند.[28] گفته‌اند این اثر، نخستین کتاب فقهی منظّم و جامع است که در شیعه تألیف شده[29] و دارای

۱۲. *مدخل إلی علم الفقه*، ص۳۲.
۱۳. *رجال النجاشی*، ص۱۱۷.
۱۴. *رجال ابن داود*، ص۶۰.
۱۵. *الجرح و التعدیل*، ج۲، ص۴۵۹.
۱۶. *رجال الطوسی*، ص۱۳۸.
۱۷. *الذریعة*، ج۲، ص۱۶۰.
۱۸. *رجال النجاشی*، ص۲۰۹؛ *خلاصة الأقوال*، ص۱۷۳.
۱۹. همان.
۲۰. *الذریعة*، ج۲، ص۱۵۹.
۲۱. *معجم رجال الحدیث*، ج۲۴، ص۱۰۱.
۲۲. *رجال النجاشی*، ص۳۲۵.
۲۳. همان.
۲۴. *الذریعة*، ج۴، ص۲۴۰.
۲۵. *رجال النجاشی*، ص۲۱۴.
۲۶. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۸، ص۳۶۹.
۲۷. *الفوائد الرجالیة*، ج۱، ص۲۲۰.
۲۸. *رجال النجاشی*، ص۲۳۰.

ابواب مختلف فقهی بوده است.[30] این کتاب، از زمرهٔ مصنّفات به شمار می‌رود و اطلاق اصل، به جهت اعتماد به آن و نیز عرضه بر امام صادق ﷺ و تمجید آن حضرت بوده است.[31]

قاضی نعمان، از آن، با عنوان «جامع حلبی» یا «الکتاب المعروف بالجامع» یاد می‌کند و تمامی آن را در *الایضاح* آورده است.[32] رایج‌ترین نسخه آن را ابن ابی عمیر از حمّاد بن عثمان، از مؤلّف، روایت کرده است.[33] این کتاب تا دوره‌های متأخّرتر، در دسترس بوده و نزدیک به هزار روایت از آن در کتب اربعه، نقل گردیده است.[34]

گفتنی است که جمعی از امامیه در مَیّافارِقین (شهری کهن در بین‌النهرین، نزدیک دیار بکر) از شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق) پرسیدند که در مسائل شرعی، به کدام‌یک از این کتب استناد کنند: رساله علی بن الحسین بن موسی بن بابویه، کتاب شلمغانی یا جامع حلبی؟ او در پاسخ گفت:

> کتب ابن بابویه و حلبی را باید بر کتاب شلمغانی ترجیح داد.[35]

۵. الجامع،[36] معمر بن راشد صنعانی بصری (م ۱۵۳ یا ۱۵۰ ق)،[37] از یاران امام صادق ﷺ.[38] وی اوّلین کسی است که در یمن، به تألیف و تصنیف پرداخت[39] و از جمله نویسندگان مغازی نیز به شمار می‌رود.[40] از راویان او، عبد الرزاق صنعانی و فضل بن دکین هستند.[41] برخی درباره امامی بودن او تشکیک کرده و او را از رجال عامّه دانسته‌اند.[42] با این حال، وصف روشنی از شرح حال و کتب وی در دست نیست.

۶. کتاب فی الحلال و الحرام، مسعدة بن زیاد ربعی (زنده در میانه قرن دوم)، از راویان موثّق امام صادق ﷺ. این کتاب، به صورت موضوعی در ابواب فقه نوشته شده و عبد الله بن جعفر حمیری، از طریق هارون بن مسلم، آن را نقل کرده است.[43] شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را همان «اصل» مسعدة بن

---

۲۹. *رجال البرقی*، ص۲۳.

۳۰. *رجال النجاشی*، ص۳۶۶. نجاشی در توصیف کتاب محمّد بن عبد اللّه بن عمرو می‌گوید: «له نسخة تشبه کتاب الحلبی مبوّبة کبیرة».

۳۱. *الفهرست*، طوسی، ص۱۷۴؛ *الذریعة*، ج۲۶، ص۴۸.

۳۲. *میراث مکتوب شیعه*، ص۴۴۷.

۳۳. *الفهرست*، طوسی، ص۱۷۴؛ *رجال النجاشی*، ص۲۳۱.

۳۴. *میراث مکتوب شیعه*، ص۴۴۸.

۳۵. *جوابات المسائل المیافارقیات*، ص۲۷۹، رسائل الشریف المرتضی، المجموعة الأُولی.

۳۶. *الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق* ﷺ، ج۳، ص۲۷۸.

۳۷. *الطبقات الکبری*، ج۵، ص۵۴۶.

۳۸. *رجال الطوسی*، ص۳۰۷.

۳۹. *تذکرة الحفّاظ*، ج۱، ص۱۹۱.

۴۰. *الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق* ﷺ، ج۳، ص۲۷۸.

۴۱. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۷، ص۴۶۴.

۴۲. *قاموس الرجال*، ج۱۰، ص۱۷۴.

۴۳. *رجال النجاشی*، ص۴۱۵.

زیاد معرفی می‌نماید[44] و ابن طاووس از آن، با عنوان «کتاب» یاد می‌کند.[45]

۷. **الجامع فی الفقه**، حسن بن صالح بن حی (م ۱۶۸ ق)، از اعلام زیدیه و فقیه و متکلّم برجسته کوفه. وی معاصر چهار امام شیعه (امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا علیهم السلام) بوده[46] و علاّمه حلی، او را از اصحاب امام باقر علیه السلام برشمرده است.[47] شیخ طوسی، حدیث او را از طریق حسن بن محبوب دریافت کرده است؛ ولی روایاتی از ابن حی به نقل از صادقین علیهما السلام یافت می‌شود که به طرقی غیر از حسن بن محبوب، روایت شده است.[48] اهل سنّت، او را ثقه دانسته و حدیثش را پذیرفته‌اند.[49]

از متقدّمان، ابن ندیم، تنها کسی است که به جامع ابن حی اشاره کرده[50] و در منابع شیعی، وی را از صاحبان اصول برشمرده است؛[51] امّا چنان‌که سیّد محسن امین، احتمال داده،[52] شاید این کتاب، همان اصل منقول از او باشد و آگاهی دیگری از اصل و یا جامع او در اختیار نیست.

۸. **کتاب المبوّب فی الحلال و الحرام**، ابراهیم بن محمّد بن ابی یحیی سمعان مدنی (م ۱۸۴ ق). وی ـ که از موالی بنواسلم بوده ـ از اصحاب خاص امام صادق علیه السلام به شمار می‌رود.[53] از این رو، اهل سنّت، وی را تضعیف کرده‌اند؛[54] جز آن که شافعی ـ که از شاگردان او بوده ـ[55] وی را توثیق نموده است.[56]

افزون بر اثر پیش‌گفته ـ که ظاهراً بر اساس موضوعات فقهی بوده ـ، وی کتاب بزرگی در حدیث داشته که چندین برابر *الموطأ* مالک بن انس بوده است.[57]

۹. **کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام**، یعقوب بن سالم احمر کوفی (یعقوب احمر[58]) (زنده در سال ۱۸۳ ق).[59] وی پارچه‌فروش[60] و از راویان موثّق امام صادق علیه السلام بوده است.[61] این کتاب را برادرزاده او، علی

۴۴. *الذریعة*، ج۲، ص۱۶۶.
۴۵. *کتابخانهٔ ابن‌طاووس*، ص۲۰۵.
۴۶. *أعیان الشیعة*، ج۵، ص۱۱۹.
۴۷. *خلاصة الأقوال*، ص۳۳۷.
۴۸. ر. ک: *میراث مکتوب شیعه*، ص۳۱۳.
۴۹. *سیر أعلام النبلاء*، ج۷، ص۳۶۷. برای آگاهی بیشتر درباره شخصیت ابن‌حی، ر.ک: *اعیان الشیعة*، ج۵، ص۱۱۹ ـ ۱۲۳.
۵۰. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۲۷.
۵۱. ر. ک: *الفهرست*، طوسی، ص۱۰۰؛ *معالم العلماء*، ص۷۰.
۵۲. *أعیان الشیعة*، ج۵، ص۱۲۳.
۵۳. *رجال النجاشی*، ص۱۴؛ *الفهرست*، طوسی، ص۳۴.
۵۴. *الطبقات الکبری*، ج۵، ص۴۲۵؛ *الضعفاء و المتروکین*، ص۱۴۶؛ *تهذیب الکمال*، ج۲، ص۱۸۴ ـ ۱۹۱.
۵۵. *التبیین لأسماء المدلسین*، ص۱۴؛ *طبقات المدلسین*، ص۵۲.
۵۶. *الکامل*، ج۱، ص۲۲۵.
۵۷. همان.
۵۸. ر.ک: *معجم رجال الحدیث*، ج۲۱، ص۱۴۴ ـ ۱۴۷.
۵۹. *الفائق فی رواة و اصحاب الإمام الصادق* علیه السلام، ج۳، ص۴۵۵.
۶۰. *معجم رجال الحدیث*، ج۲۱، ص۱۳۷.
۶۱. *رجال النجاشی*، ص۴۴۹.

بن اسباط، روایت کرده است؛[62] امّا آگاهی بیشتری از وی و آثارش در دست نیست.

۱۰. کتاب مبوّب فی الحلال و الحرام، ابومحمّد غیاث بن ابراهیم تمیمی دارمی اسیدی بصری. وی ساکن کوفه و از راویان موثّق امام صادق و امام کاظم علیهما السلام بوده است.[63] از این راوی، با عناوین مختلفی نظیر: اسیدی، رزامی، دارمی و نخعی کوفی[64] یاد شده که شاید همه از یک فرد حکایت می‌کند؛[65] امّا غیاث بن ابراهیم بَتری ـ که ابن داوود، وی را فاسد العقیده دانسته ـ[66] غیر از نگارنده جامع یاد شده است.[67]

چنان که از عنوان این کتاب آشکار است، کتابی مبوّب در موضوعات فقهی است که ابن شهر آشوب از آن با عنوان «جامعه»[68] و ابن طاووس با عنوان «کتاب» یاد می‌کند.[69] اسماعیل بن ابان بن اسحاق،[70] محمّد بن یحیی الخزّاز و نیز حسن بن علی لؤلؤی،[71] راویان این کتاب بوده و روایاتی از آن در کتب حدیثی شیعه آمده است.

۱۱. کتاب مبوّب فی الفرائض، رفاعة بن موسی اسدی کوفی (رفاعه نخاس)، از راویان موثّق امام صادق و امام کاظم علیهما السلام.[72] گفته شده که وی پس از امام کاظم علیه السلام به واقفه پیوست؛ امّا پس از مدتی، از آن راه برگشت.[73]

این کتاب را ـ که به صورت موضوعی تدوین شده است ـ شماری از راویان، نظیر: محمّد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و ابن فضال روایت کرده‌اند.[74]

۱۲. الجامع الکبیر فی الفقه، یونس عبد الرحمان (م ۲۰۸ ق) معروف به مولی آل یقطین.[75] از سال ولادت او اطّلاع دقیقی در دست نیست، جز آن که گفته‌اند که وی در روزگار هشام بن عبدالملک، چشم به جهان گشود.[76] وی امام صادق علیه السلام را در حرمین شریفین ملاقات کرده، امّا موفّق به شنیدن حدیث از

۶۲. همان.

۶۳. *رجال النجاشی*، ص۳۰۵؛ *رجال الطوسی*، ص۲۶۸.

۶۴. *رجال البرقی*، ص۴۲. کتب اهل سنّت، از شخصی به نام ابو عبد الرحمان غیاث بن ابراهیم نخعی کوفی سخن گفته و وی را تضعیف کرده‌اند؛ امّا با عنایت به تفاوت کنیه راوی یاد شده با راوی مورد نظر ما، می‌توان حدس زد که وی غیر از غیاث بن ابراهیم شیعی است ر.ک: *التاریخ الکبیر*، ج۷، ص۱۰۹؛ *میزان الاعتدال*، ج۳، ص۳۳۷؛ *الجرح و التعدیل*، ج۷، ص۵۷.

۶۵. ر.ک: *میراث مکتوب شیعه*، ص۲۸۰.

۶۶. *رجال ابن داوود*، ص۲۶۵.

۶۷. *معجم رجال الحدیث*، ج۱۴، ص۲۵۲.

۶۸. *معالم العلماء*، ص۱۲۴.

۶۹. *کتابخانه ابن طاووس*، ص۳۵۶.

۷۰. *رجال النجاشی*، ص۳۰۵.

۷۱. *الفهرست*، طوسی، ص۱۹۶.

۷۲. *رجال النجاشی*، ص۱۶۶.

۷۳. *معجم رجال الحدیث*، ج۸، ص۲۰۴. واقفه، گروهی از شیعیان هستند که با دعوی این که امام کاظم علیه السلام امام قائم منتظر است، بر امامت او توقف کردند و امامت امامان بعدی را نپذیرفتند ر.ک: *مقباس الهدایة*، ص۱۴۱.

۷۴. *الفهرست*، طوسی، ص۱۲۹.

۷۵. *رجال البرقی*، ص۴۹؛ *رجال الطوسی*، ص۳۳۶.

۷۶. *رجال النجاشی*، ص۴۴۶.

آن بزرگوار نشده است؛[77] بلکه او از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام حدیث نقل کرده،[78] به طوری که از برجسته‌ترین راویان آنان به شمار آمده و حتی وثاقت و جلالتش، به تأیید ایشان رسیده است.[79] وی از محضر استادان بزرگی چون: عبد الله بن سنان، عبد الله بن مسکان، هشام بن حکم، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان، علی بن رئاب و حارث بن مغیره، بهره برده است.[80]

یونس بن عبد الرحمان، یکی از راویانی است که هم در مدح و هم در ذمّ او گزارش‌های بسیاری در دست است. رجال‌شناسان، گزارش‌های حاکی از ذمّ او را که بیشتر از جانب قمّیان نقل شده،[81] مردود می‌شمارند و سند آنها را صحیح نمی‌دانند.[82] ابو عمرو کشی ـ که این گزارش‌ها را در کتاب رجال خویش آورده ـ ، خود با موازین عقلی، به نقد روایات جرح پرداخته و در نتیجه، همه را مخدوش شمرده است.[83] از این رو، با اطمینان می‌توان گفت که یونس بن عبد الرحمان، راوی ثقه و جلیل القدر و یکی از اصحاب اجماع است[84] که روایات او مورد تأیید است.[85]

چنین به نظر می‌رسد که روایات ذمّ درباره یونس، تا حدی با داستان مقاومت وی در مقابل جریان واقفه، سازگار باشد؛ چرا که آنان، زمانی که از همراه ساختن یونس با خود نومید شدند، او را به باد تکفیر و تفسیق گرفتند یا آن که این روایات را در زمان امام هفتم رواج دادند تا چهره یونس بن عبد الرحمان را مخدوش نمایند.[86] شاید یکی دیگر از دلایل انتقاد قمّیان از یونس بن عبد الرحمان، انتساب فرقه‌ای از غُلات به نام «یونسیه» به وی باشد[87] که به دلیل موضعگیری شدید محدّثان قم در برابر اندیشه‌های غالیان، یونس بن عبد الرحمان نیز مورد هجمه انتقادات آنان قرار گرفته باشد.[88] شاید بتوان نگارش کتاب *الرد علی الغلات* را نشانی از همراهی وی با قمّیان و همرأیی او با آنان دانست.

اگرچه این محدّث را بدان سبب که بخشی از فعالیت او در قم بوده است، قمی شمرده‌اند،[89] امّا از منظر آرا و اندیشه‌هایش، از محدّثان مکتب عقل‌گرای بغداد به شمار می‌آید. اگر بهره‌گیری از استدلال‌های عقلی در مناظرات کلامی را یکی از ویژگی‌های مکتب حدیثی بغداد به شمار آوریم، باید

---

۷۷. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۸۰ و ۷۸۳.

۷۸. *رجال النجاشی*، ص۴۴۸؛ *رجال الطوسی*، ص۳۳۶ و ۳۶۸.

۷۹. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۷۹ ـ ۷۸۵؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۲۱، ص۲۱۲ ـ ۲۲۰.

۸۰. *معجم رجال الحدیث*، ج۲۱، ص۲۲۹.

۸۱. *رجال الطوسی*، ص۳۳۶ و ۳۶۸.

۸۲. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۸۵ ـ ۷۸۸. درباره نقد سندی این گزارش‌ها ر.ک: *التحریر طاووسی*، ص۶۲۴ ـ ۶۳۳؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۲۱، ص۲۲۰ ـ ۲۲۶.

۸۳. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۸۸.

۸۴. همان، ص۸۳۰.

۸۵. *رجال الطوسی*، ص۳۳۶؛ *خلاصة الأقوال*، ص۲۹۷.

۸۶. «تحقیق درباره کتاب کافی»، *نامه آستان قدس*، ش ۷، ص۱۷.

۸۷. *الأنساب*، ج۵، ص۷۱۱؛ *الملل و النحل*، ج۱، ص۱۸۸. درباره رد این اتهام ر.ک: *الغدیر*، ج۳، ص۱۴۲.

۸۸. برای آگاهی از نمونه‌های برخورد قمی‌ها با غالیان یا راویان احادیث غلو آمیز، ر. ک: *مکتب حدیثی قم*، ص۳۸۶ به بعد.

۸۹. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۷۹.

یونس بن عبد الرحمان را ـ که از چهره‌های بارز این مناظرات[90] و از شاگردان متکلّم معروف هشام بن حکم بوده است ـ از محدّثان عقل‌گرای بغداد به حساب آورد.

بنا بر این، مقابلهٔ حدیث‌گرایان قم، با آرا و اندیشه‌های وی می‌تواند نشانی از گرایش یونس، به مسائل عقلی باشد. افزون بر آن، نگارش کتاب *اختلاف الحدیث* و *علل الحدیث* از سوی یونس بن عبدالرحمان، می‌تواند حاکی از مبارزه علمی او با قشری‌نگری قمّیان و پذیرش احادیث صحیح و سقیم از سوی آنان باشد.

از نشانه‌های عظمت شخصیت علمی یونس بن عبد الرحمان، کتاب‌ها و تصنیفاتی است که از او به جای مانده است؛ به طوری که فضل بن شاذان، درباره او بر این باور است که بالغ بر یک هزار کتاب در ردّ مخالفان شیعه، تألیف کرده است.[91] اگرچه این رأی، اندکی مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد، امّا به هر روی، از تلاش گسترده این محدّث بزرگ در عرصه فقه و حدیث حکایت دارد. برخی از آثار او عبارت‌اند از: *کتاب الشرایع، کتاب السهو، الأدب، الزکاة، جوامع الآثار، فضل القرآن، کتاب النکاح، الحدود، الصلوة، العلل الکبیر، اختلاف الحدیث، الردّ علی الغلات، کتاب یوم و لیلة*.[92]

درباره کتاب اخیر، ابوهاشم جعفری (از یاران برجسته امامان)، می‌گوید:

> کتاب *یوم و لیلة* یونس بن عبد الرحمان را نزد امام عسکری علیه السلام بردم. حضرت به دقّت در تمام کتاب نگاه کرد و تا آخر آن را ورق زد و فرمود: «آنچه در این کتاب است، دین من و دین پدرانم است؛ تمام این کتاب، حق و حقیقت است».[93]

از جمله آثار دیگر او، افزون بر جامع یاد شده، جوامع دیگری نظیر جامع الآثار و جامع الصغیر است. البته چنان که کلبرگ یادآور شده، ظاهراً شرح حال نویسان، الجامع الصغیر را در زمرهٔ آثار یونس یاد نکرده‌اند؛[94] مگر آن که این کتاب را جزئی از *جامع‌الآثار* چهار جزئی‌ای که ابوغالب زراری از آن یاد کرده، بدانیم.[95]

۱۳. کتب ثلاثین یا الفقه المکمّل،[96] صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق). او از اصحاب امام کاظم و امام رضا و امام جواد علیهم السلام بوده و نجاشی، او را با عباراتی نظیر «ثقة ثقة» و«عین» ستوده است.[97] او را همین فخر بس که امام جواد علیه السلام در توصیف او فرمود:

> رحم الله اسماعیل بن الخطاب و رحم الله صفوان، فإنّهما من حزب آبائي و من کان حزبنا أدخله الله الجنّة.[98]

۹۰. ر.ک: «مناظرات مذهبی شیعه»، *مقالات فارسی*، ش ۴۹ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

۹۱. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۸۰.

۹۲. *رجال النجاشی*، ص۴۴۷؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۲۱، ص۲۱۰.

۹۳. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۸۰.

۹۴. *کتاب‌خانه ابن طاووس*، ص۳۲۸.

۹۵. *رسالة فی آل أعین*، ص۵۸.

۹۶. *الذریعة*، ج۱۶، ص۲۹۸.

۹۷. *رجال النجاشی*، ص۱۹۷.

صفوان بن یحیی در طبقه سوم اصحاب اجماع ـ که راویان امام هفتم و امام هشتم علیهما السلام هستند ـ قرار دارد.[99] وی از چهل تن از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت نموده است.[100]

شرح حال‌نگاران، او را همانند حسین بن سعید، صاحب تصانیف بسیار می‌دانند و شماره آثار او را سی کتاب برشمرده‌اند. از مجموع کتبی که تا زمان نجاشی در دسترس بوده، فصول ذیل شناخته شده است: کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب الزکاة، کتاب النکاح، کتاب الطلاق، کتاب الفرائض، کتاب الوصایا، کتاب الشری و البیع، کتاب العتق و التدبیر، کتاب البشارات و النوادر.[101]

۱۴. نوادر، ابو احمد محمّد بن ابی عمیر زیاد بن عیسی (م ۲۱۷ ق)، از موالی مهلب بن ابی صفرة.[102]

او از موثّق‌ترین افراد مورد اعتماد شیعه و اهل سنّت[103] و از اصحاب اجماع[104] به شمار می‌رفته است. وی امام کاظم علیه السلام را درک نموده و با امام رضا و امام جواد علیهما السلام مصاحبت داشته است.[105] با توجّه به خفقان حاکم بر جامعه و موقعیت او در بین طایفه امامیه، او را مورد اهانت و حبس قرار دادند و اموالش را ـ که تا حدود پانصد هزار درهم بود ـ به تاراج بردند.[106]

ابن ابی عمیر، نزد جمع بسیاری از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم السلام به استماع و ضبط روایت پرداخت. برخی از بزرگان، تعداد کسانی را که او از آنان روایت نقل کرده است، تا ۴۱۰ نفر ذکر کرده‌اند.[107]

اگرچه مشایخ او هم از علمای شیعه و هم از علمای اهل سنّت بوده‌اند، امّا فضل بن شاذان از پدر خود نقل می‌نماید که به ابن ابی عمیر گفتم: تو مشایخ و بزرگان اهل سنّت را دیده‌ای؛ امّا چگونه از آنان حدیثی نشنیده‌ای؟ گفت: از آنان حدیث شنیده‌ام، امّا چون می‌بینم که بسیاری از شیعیان، علوم خاصّه و عامّه را شنیده و آنان را با هم آمیخته‌اند و حدیث یکی را به دیگری نسبت می‌دهند، من نخواستم چنین اشتباهی بکنم؛ بنا بر این، از احادیث اهل سنّت، صرف نظر کردم و به احادیث اهل بیت علیهم السلام اکتفا نمودم.[108]

علاقه و اهتمام وی به روایات امامان علیهم السلام به حدّی بود که کتاب‌های روایی بسیاری را تدوین کرد؛ به طوری که تعداد آنها را ۹۴ کتاب ذکر کرده‌اند.[109] پاره‌ای از آن کتاب‌ها در کتب نجاشی و شیخ طوسی،

---

۹۸. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۷۹۲.
۹۹. همان، ص۸۳۰.
۱۰۰. *الفهرست*، طوسی، ص۱۴۵.
۱۰۱. *رجال النجاشی*، ص۱۹۸؛ *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۷۸.
۱۰۲. *رجال النجاشی*، ص۳۲۶.
۱۰۳. همان.
۱۰۴. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۳۰.
۱۰۵. *الفهرست*، طوسی، ص۲۱۸.
۱۰۶. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۵۶.
۱۰۷. *کلیات فی علم الرجال*، ص۲۱۶.
۱۰۸. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۵۵.
۱۰۹. *رجال النجاشی*، ص۳۲۷.

فهرست شده‌اند؛ امّا چون هفده سال را در حبس بوده و در این مدت، خواهرش و به روایتی خود او، کتاب‌ها را در زیر خاک پنهان کرده بود، همه آنها در زیر باران، از بین رفته‌اند.[110] او پس از آن توانست فقط آنچه را در حافظه داشته، در چهل کتاب و بدون سند، با عنوان *النوادر* گرد آورد[111] که شیخ طوسی این مجموعه را کتاب نیکویی توصیف می‌نماید.[112]

اکنون از آن صحابی امام و محدّث گران‌قدر، بیش از چهار هزار و هفتصد روایت در کتب روایی در زمینه‌های مختلف، مانند: تفسیر، فقه و کلام وجود دارد.[113] ابن ابی عمیر، علاوه بر آن که روایات فقهی بی‌شماری در جای جای ابواب فقهی از خود به یادگار گذاشته، روایت‌های بسیاری درباره مسائل کلامی نقل کرده است.

بسیاری از دانشمندان اسلامی، نظیر: نجاشی، شیخ طوسی، شیخ بهایی، شیخ انصاری و امام خمینی‌ؒ، مرسلات ابن ابی عمیر را در حکم مسند دانسته و به آنها اعتماد کرده‌اند.[114] علامه مامقانی (م۱۳۵۱ ق) در این باره می‌گوید:

> محمّد بن ابی عمیر، تنها کسی است که تمامی علمای شیعه [در طول قرون گذشته] روایات مرسل او را پذیرفته و آنها را مانند روایات مسند، معتبر دانسته‌اند؛ اگرچه درباره برخی [از اصحاب ائمه‌ﻉ] نیز این مطلب را گفته‌اند، لیکن گوینده آن، عدّه‌ای معدود بوده‌اند و درباره آنها به مانند آنچه که درباره ابن ابی عمیر گفته‌اند، اتفاق نظر وجود نداشته است.[115]

امّا با این حال، برخی، همچون: محقق اردبیلی، محقّق حلّی و آیة الله خویی‌ؒ، به دلیل انکار حجّیت احادیث مرسل، مرسلات ابن ابی عمیر را نیز نپذیرفته‌اند.[116]

۱۵. المشیخه، ابوعلی حسن بن محبوب بن وهب بن جعفر بجلی (م ۲۲۴ ق) معروف به سرّاد.[117]

حسن بن محبوب، از بزرگان رجال شیعه و راویان نامور است. موالی و نیاکانش، از ایالت سِند هندوستان بوده‌اند و جدّ اعلایش وهب، از برده‌های جریر بن عبد الله بجلی، صحابی مشهور بود که در سال ۵۱ هجری، بدرود حیات گفته است.

وهب، در هنر زره‌بافی، استاد بوده است. از این روی، به وی «سرّاد» و یا «زرّاد» می‌گفته‌اند و این لقب بر همه نسل وی بر جای ماند. وی در اواخر سال ۲۲۴ ق، در حدود ۷۵ سالگی، دار فانی را وداع کرده است.

---

۱۱۰. همان، ص۳۲۶.

۱۱۱. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۵۴.

۱۱۲. *الفهرست*، طوسی، ص۲۱۸.

۱۱۳. *معجم رجال الحدیث*، ج۲۲، ص۱۰۱.

۱۱۴. *نهایة الدرایة*، ص۲۶۹؛ *فرائد الأصول*، ج۱، ص۱۵۹؛ *رجال النجاشی*، ص۲۲۸؛ *المکاسب المحرمة*، امام خمینی، ج۱، ص۲۸۵ به نقل از *دانش درایة الحدیث*، ص۱۷۷ ـ ۱۷۹.

۱۱۵. *تنقیح المقال*، ج۲، ص۶۳.

۱۱۶. ر.ک: «بررسی حجیت مراسیل ابن ابی عمیر»، **پژوهش‌نامه قرآن و حدیث**، ش ۱.

۱۱۷. سرگذشت حسن بن محبوب تماماً از مقاله جناب استاد آقای محمّد باقر بهبودی اقتباس شده است. ر.ک: «حسن بن محبوب کوفی»، فصل‌نامه *فقه*، ش ۱۱ ـ ۱۲، فروردین ۱۳۷۶.

رجال‌شناسان، وی را ثقه و جلیل القدر دانسته‌اند. او آثار فراوانی داشته است، از جمله: *کتاب المشیخة*، *کتاب الحدود*، *کتاب الدیات*، *کتاب الفرائض*، *کتاب النکاح*، *کتاب الطلاق*، *کتاب النوادر* ــ که حدود هزار صفحه بوده ـ ، *کتاب التفسیر*، *کتاب العتق* و... .

شیخ طوسی، حسن بن محبوب را از ارکان چهارگانه زمان خود می‌شمارد؛ امّا از دیگر ارکان چهارگانه آن عصر، نامی نمی‌برد. گویا دیگر ارکان چهارگانه، عبارت بودند از: حسن بن فضّال، صفوان یحیی و ابن ابی عمیر.

در میان آثار ابن محبوب، مهم‌تر از همه، *المشیخه* اوست. ابن محبوب در این نگاشته، تمامی استادان و مشایخ خود را (شاید به ترتیب زمان دیدار) می‌آورد و آنچه از آنان با سماع و اجازه روایت کرده است، در زیر نام هر یک یادآور می‌شود که پس از بررسی همه سویه، روشن شده که در بین صد تن از استادان و مشایخ وی، شصت تن، از شاگردان امام صادق﷣ بوده‌اند.

ابو جعفر احمد بن حسین بن عبد الملک، از شاگردان مورد اعتماد ابن محبوب است. وی وقتی متوجّه می‌شود که *المشیخة* بسیار گران‌بهای حسن بن محبوب، کاستی‌هایی دارد، دست به اصلاح آن می‌زند و نام مشایخ ابن محبوب را به ترتیب حروف الفبا سامان می‌دهد و روایات یکایک آنان را بی‌کم و کاست، در زیر نام هر یک می‌آورد تا بازیابی نام مشایخ آسان شود. بعدها شیخ طوسی و نجاشی، باب‌بندی وی را ستوده‌اند و چنان می‌نماید که از آن تاریخ به بعد، همین نسخه باب‌بندی شده‌ای ـ که به گونه *المعجم الکبیر*، به بازار ورّاقان راه یافت ـ با استقبال اهل فن روبه‌رو شد و سبب شد که نسخه‌های باب‌بندی نشده، از دور خارج بشوند و متروک بمانند. از این روی، در عصر شیخ طوسی، تنها نسخه باب‌بندی شده، مورد سماع و قرائت قرار می‌گرفته و شیخ طوسی در پرداختن کتاب *تهذیب الأحکام* و *الاستبصار* خود، از همین نسخه، بهره‌برداری می‌کرده است. وی در آخر *تهذیب الأحکام* و *الإستبصار* می‌نویسد:

> آنجا که من حدیثی را از مشیخه ابن محبوب استخراج کرده‌ام، آن حدیث را به وسیله استادم احمد بن عبدون، از علی بن محمّد بن زبیر، از احمد بن حسین بن عبدالملک أزدی روایت می‌کنم. همچنین استادان دیگری مشیخه ابن محبوب را برای من روایت کرده‌اند.[۱۱۸]

پس از تدوین، باب‌بندی و دسته‌بندی مشیخه ابن محبوب، این سبک تدوین و باب‌بندی، الگوی دیگران قرار گرفت. از جمله، سلیمان بن احمد بن ایوب طبرانی (۲۶۰ ـ ۳۶۰ ق)، *المعجم الکبیر* خود را با الگوگیری از مشیخه ابن محبوب نگاشت.

مشیخه ابن محبوب، یک بار دیگر هم باب‌بندی و دسته‌بندی شده است. البته این بار، به گونه کتاب‌های فقهی، از کتاب طهارت آغاز و به کتاب دیات و نوادر، پایان پذیرفته است. این باب‌بندی و دسته‌بندی، به دست ابوسلیمان داوود بن کوره قمی، از مشایخ کلینی، در نیم قرن بعدی انجام پذیرفته است. وی کتاب *النوادر* ابوجعفر احمد بن محمّد بن عیسی اشعری، رئیس حوزه قم را هم به گونه

۱۱۸. *تهذیب الأحکام*، ج ۱۰، ص ۵۸.

کتاب‌های فقهی، دسته‌بندی و باب‌بندی کرده است.

اکنون از نسخه‌های *المشیخة* ابن محبوب، کسی اطلاعی ندارد و آخرین خبری که از آن در دست داریم، به زمان شهید ثانی (م۹۶۶ق) مربوط می‌شود که وی از *المشیخة* ابن محبوب، حدود هزار حدیث گزینش و به خط خود، رونوشت و نسخه‌برداری می‌کند.[۱۱۹]

اگرچه *المشیخة* حسن بن محبوب، بر اساس موضوعات فقهی و یا غیر آن مبوّب نبوده، امّا با تبویبی که از سوی شاگردان وی انجام گرفته، می‌توان اثر او را در زمره کتب جوامع محسوب کرد.

۱۶. الجامع فی الحلال و الحرام، عمرو بن عثمان ثقفی خزّاز، از راویان موثّق کوفه.[۱۲۰] از تاریخ ولادت یا وفات او نشانی در دست نیست، جز آن که احمد بن محمّد بن خالد برقی (م ۲۸۰ ق)، حسن بن علی بن فضّال (م ۲۲۴ ق)[۱۲۱] و نیز ابراهیم بن هاشم (م. ح ۲۶۰ ق)[۱۲۲] از راویان او به شمار می‌روند. بنا بر این، شاید در اواخر قرن دوم و نیمه اول قرن سوم می‌زیسته است. نجاشی، *الجامع* او را کتاب نیکویی دانسته و از آن، به سه واسطه روایت می‌کند.[۱۲۳] افزون بر این کتاب، اثر دیگر ثقفی، کتاب *النوادر* است که نجاشی از آن نیز روایت می‌کند؛[۱۲۴] امّا از آثار او تاکنون اثری یافت نشده است.

۱۷. الفقه المکمّل (ثلاثین کتاباً)،[۱۲۵] ابومحمّد عبد الله بن مغیرة البجلی. این محدّث از اصحاب اجماع و راویان موثّق کوفه و در شمار اصحاب امام کاظم علیه السلام است.[۱۲۶] وی زمانی، از طرفداران واقفه بوده است؛ امّا پس از مدتی از آن راه، بازگشته است.[۱۲۷] او را نگارندهٔ سی کتاب می‌دانند که از آن میان، *کتاب الوضوء* و *کتاب الصلاة* در دوران نجاشی، شناخته شده است.[۱۲۸]

۱۸. الجامع، احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی مولی سکونی (م ۲۲۱ ق). وی امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام را ملاقات کرده و از خواص یاران ایشان بوده است.[۱۲۹] افزون بر ائمه علیهم السلام، بزنطی از شیوخی از اصحاب ائمّه نیز دانش، آموخته است که می‌توان کسانی چون: عبد الله بن سنان، حماد بن عثمان، جمیل بن دراج، ابان بن عثمان و عاصم بن حمید را از آنان برشمرد. در فهرست شاگردان و راویان او نیز نام شخصیت‌هایی برجسته چون: ابراهیم بن هاشم قمّی، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمّد برقی، حسن بن محبوب و علی بن مهزیار به چشم می‌خورند.[۱۳۰]

۱۱۹. *أمل الآمل*، ج۱، ۸۶.

۱۲۰. *رجال النجاشی*، ص۲۸۷.

۱۲۱. *نقد الرجال*، ج۳، ص۳۳۸.

۱۲۲. ر.ک: *الکافی*، ج۳، ص۳۴۹؛ ج۴، ص۲۵۹ و ۳۷۶؛ ج۵، ص۳۶۷؛ ج۷، ص۲۰۶.

۱۲۳. *رجال النجاشی*، ص۲۸۷.

۱۲۴. همان.

۱۲۵. *الذریعة*، ج۱۶، ص۲۹۸.

۱۲۶. *رجال النجاشی*، ص۲۱۵؛ *رجال الطوسی*، ص ۳۴۰.

۱۲۷. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۵۷.

۱۲۸. *رجال النجاشی*، ص۲۱۵.

۱۲۹. *رجال الطوسی*، ص۳۳۲، ۳۵۱، ۳۷۳.

۱۳۰. *معجم رجال الحدیث*، ج۳، ص۲۳.

به گفتهٔ منابع، وی پس از درگذشت امام کاظم علیه السلام نخست در شمار قایلان به وقف قرار داشت؛ امّا در پی مکاتبه‌ای با امام رضا علیه السلام به امامت آن حضرت ایمان آورد.[131] رجالیان امامیه، بر اعتبار بزنطی تأکید کرده و او را در شمار اصحاب اجماع آورده‌اند.[132]

شیخ طوسی، او را توثیق کرده،[133] و نجاشی، او را نزد امام رضا و امام جواد علیهما السلام، «عظیم المنزلة» دانسته است.[134]

الجامع ـ که در صدر آثار بزنطی قرار دارد ـ در بردارندهٔ مجموعه‌ای از معارف اسلامی، بویژه فقه است که تا روزگار محقق حلّی، در دست بوده است، به طوری که وی در کتاب *المعتبر* از آن نقل می‌کرده است.[135] *کتاب المسائل*[136] و *کتاب النوادر* ـ که از یحیی بن زکریا بن شیبان نقل گردیده ـ آثار دیگری است که وی به رشته تحریر در آورده است.[137]

۱۹. الجامع فی الحدیث، موسی بن القاسم بن معاویة بن وهب البجلی (م. اوایل قرن سوم)، از اصحاب امام رضا علیه السلام.[138] رجال‌شناسان، او را با الفاظی نظیر «ثقة ثقة»، «جلیل»، «واضح الحدیث» و «حسن الطریقة» ستوده[139] و در مقام تشبیه، کتاب او را با «کتب ثلاثون» حسین بن سعید همانند دانسته‌اند.[140] مجموعه مصنّفات او عبارت است از: *کتاب الوضوء*، *کتاب الصلاة*، *کتاب الزکاة*، *کتاب الصیام*، *کتاب الحج*، *کتاب النکاح*، *کتاب الطلاق*، *کتاب الحدود*، *کتاب الدیات*، *کتاب الشهادات*، *کتاب الأیمان و النذور*، *کتاب أخلاق المؤمن*، *کتاب الجامع*، و *کتاب الأدب*. افزون بر این کتب ــ که بیشترینهٔ آنها در ابواب فقه نگاشته شده ـ کتاب مسائل الرجال ـ که درباره هیجده تن از راویان است ـ از دیگر آثار اوست.[141]

۲۰. جامع الفقه، منذر بن محمّد بن منذر بن سعید بن ابی الجهم قابوسی. وی از راویان موثّق[142] امام جواد علیه السلام[143] و از مشهورترین افراد خاندان بزرگ شیعی «ابی الجهم» بوده که در سده دوم هجری در کوفه می‌زیسته است.[144] افزون بر جامع یاد شده، او تألیفاتی در تاریخ داشته است که عبارت‌اند از: *وفود العرب*

---

۱۳۱. همان، ص۱۸.

۱۳۲. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۳۰.

۱۳۳. *رجال الطوسی*، ص۳۳۲.

۱۳۴. *رجال النجاشی*، ص۷۵.

۱۳۵. ر.ک: *المعتبر*، ج۱، ص۸۸، ۱۴۶، ۱۸۷، ۳۱۷ و ۳۵۷؛ ج۲، ص۲۲۱، ۲۳۶ و ۲۶۳.

۱۳۶. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۷۶.

۱۳۷. *معجم رجال الحدیث*، ج۳، ص۱۹.

۱۳۸. *رجال الطوسی*، ص۳۷۸.

۱۳۹. *رجال النجاشی*، ص۴۰۵.

۱۴۰. *الفهرست*، طوسی، ص۲۴۳.

۱۴۱. *رجال النجاشی*، ص۴۰۵.

۱۴۲. همان، ص۴۱۸؛ *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۸۳۷.

۱۴۳. *رجال الطوسی*، ص۳۷۸.

۱۴۴. برای آگاهی بیشتر درباره آل أبی الجهم، ر.ک: *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، مدخل «آل أبی الجهم»؛ *الفوائد الرجالیة*، ج۱، ص۲۷۲ ـ ۲۷۶.

*إلی النبی*ﷺ، *کتاب الجمل*، *کتاب الصفّین*، *کتاب النهروان*، *کتاب الغارات*. جامع او را احمد بن محمّد بن سعید همدانی، مشهور به ابن عقده (م ۳۳۳ ق) روایت کرده است.[۱۴۵]

۲۱. الجامع فی الفقه، علی بن محمّد بن شیرة القاسانی، فقیه و محدّث از اصحاب و امام هادی علیه السلام.[۱۴۶] به گفته نجاشی، وی فقیهی پر نقل و فردی فاضل بوده است؛ ولی احمد بن محمّد بن عیسی، بر او خرده گرفته و گفته است که سخنان و عقاید منکری را از او شنیده است. شیخ طوسی نیز او را تضعیف کرده است؛[۱۴۷] ولی نجاشی می‌گوید:

> در کتاب‌های او آنچه دلالت بر صحّت و درستی این اتّهام کند، وجود ندارد![۱۴۸]

او دارای کتابی کبیر با عنوان *الجامع فی الفقه* بوده و *کتاب الصلاة*، *کتاب الحج*، *کتاب التأدیب* از دیگر آثار اوست.[۱۴۹]

۲۲. الفقه المکمّل، ابو سمینه محمّد بن علی بن ابراهیم بن موسی ابی جعفر القرشی الصیرفی. این اثر، مشتمل بر سی کتاب است[۱۵۰] و در آن، نشانه‌های غلو و تخلیط یافت می‌شود.[۱۵۱] رجال‌شناسان، وی را فاسد العقیده و ضعیف قلمداد می‌کردند[۱۵۲] و حدیثش را نمی‌نگاشتند.[۱۵۳] افزون بر آن، وی در کوفه به دروغ‌پردازی مشهور بوده و سپس به غلو، اشتهار یافته و از همین رو، به دستور احمد بن محمّد بن عیسی، وی را از قم بیرون کردند.[۱۵۴] چون مسلّم است که احمد بن محمّد بن عیسی، از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام بوده،[۱۵۵] به قرینه می‌توان دریافت که شاید ابوسمینه نیز در همان عصر می‌زیسته است.

۲۳. الجامع فی الفقه، حسن بن زید بن محمّد، ملقّب به «امام الداعی الی الحق» (م ۲۷۰ ق). وی از دانشمندان فرقه زیدیه بوده و در میانه سال‌های ۲۵۰ تا ۲۷۰ هجری، بر طبرستان حکومت می‌کرده و در همان جا درگذشته است. آن گونه که در کتب تراجم آمده، گویا وی مؤسّس دولت علوی مستقل در دیار طبرستان و دیلم بوده است.[۱۵۶] همچنین، وی را از کسانی برشمرده‌اند که در اعتلای شعایر مذهب تشیّع

۱۴۵. *رجال النجاشی*، ص۴۱۸.
۱۴۶. *نقد الرجال*، ج۳، ص۲۷۲؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۱۳، ص۶۵.
۱۴۷. *رجال الطوسی*، ص۳۸۸.
۱۴۸. *رجال النجاشی*، ص۲۵۵.
۱۴۹. همان.
۱۵۰. *الذریعة*، ج۱۶، ص۲۹۷.
۱۵۱. *الفهرست*، طوسی، ص۲۲۳.
۱۵۲. *رجال النجاشی*، ص۳۳۳.
۱۵۳. *خلاصة الأقوال*، ص۳۹۸.
۱۵۴. *رجال النجاشی*، ص۳۳۳.
۱۵۵. *رجال الطوسی*، ص۳۵۱، ۳۷۳ و ۳۸۳.
۱۵۶. *أعیان الشیعة*، ج۵، ص۸۲.

در طبرستان کوشیده است.[157] وی صاحب آثار فراوانی بوده که کتاب *البیان* و *الحجة فی الإمامة* از جملـه آنهاست؛[158] امّا وصف روشنی از محتوای آنها در دست نیست.

۲۴. المحاسن، احمد بن محمّد بن خالد برقی (م ۲۷۴ ق)، از اصحاب امام جواد و امام هـادی علیهما السلام.[159] خاندان او کوفی هستند.[160] جدّ بزرگ او محمّد بن علی، از یاران زید بن علی بن الحسین علیه السلام بـود کـه در قیام زید در برابر حکومت ظلم و ستم بنی امیه شرکت کرد و در زندان یوسف بن عمر، به شهادت رسـید. در آن هنگام، خالد به همراه پدرش به قم مهاجرت کردند و در روستایی به نام بَرقه[161] ساکن شـدند و بـه همین سبب، به بَرقی معروف شدند.[162]

بسیاری از بزرگان و رجال‌شناسان شیعه، او را مورد اطمینان و ثقه دانسته‌اند؛[163] امّا از آن رو که از افراد ضعیف، روایت نقل می‌کرد و به احادیث مرسل، اعتماد می‌نمود، با مذمّت و طعن قمی‌هـا رو بـه رو شـد. علاوه بر این، اتهام به غلو و نقل روایات غلوآمیز، عامل دیگری بود که سبب مذمت وی گردید.[164] از این رو، احمد بن محمّد بن عیسی ـ که در آن زمان، رئیس محدّثان قم بود ـ او را تبعیـد کـرد؛ ولـی پـس از مدتی، او را به قم فرا خواند و حتّی در مراسم تشییع جنازه او، با سر و پای برهنه شرکت کرد تا اهـانتی را که به او روا داشته بود، جبران کند.[165]

برقی از حدود دویست تن، روایت نقل می‌کند. برخی از آنان عبارت‌اند از: احمد بن محمّد بن ابی نصر بزنطی، حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال. همچنین بزرگانی همچون محمّد بن الحسن الصفّار، عبدالله بن جعفر الحمیری، علی بن محمّد ماجیلویه از او روایت شنیده‌اند.[166]

برقی در حدود صد کتاب نوشته است که متأسفانه تنها کتاب *المحاسن* او بـاقی مانـده اسـت.[167] ایـن کتاب، تنها مجموعه‌ای روایی نیست، بلکه دایرة المعارفی از علوم مختلف است که در برگیرنده صد کتاب در موضوعات مختلف: فقه، احکام، آداب، علل شرایع و... است. از این کتاب، آنچه امروز در دست ماسـت، تنها یازده کتاب است که در دو جلد، به چاپ رسیده است.[168]

---

۱۵۷. *الذریعة*، ج۵، ص۳۰.

۱۵۸. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۴۴.

۱۵۹. *رجال البرقی*، ص۵۷ و ۵۹.

۱۶۰. *رجال النجاشی*، ص۷۶.

۱۶۱. برقه یا برقه‌رود، از روستاهای قم و از نواحی جبل است (*معجم البلدان*، ج۱، ص۳۸۹).

۱۶۲. *رجال النجاشی*، ص۷۶؛ *الفهرست*، طوسی، ص۶۲

۱۶۳. *رجال النجاشی*، ص۷۶؛ *الفهرست*، طوسی، ص۶۲؛ *خلاصة الأقوال*، ص۶۳؛ *رجال ابن داوود*، ص۴۳؛ *رجال ابـن غـضائری*، ص۳۹.

۱۶۴. *مکتب حدیثی قم*، ص۲۷۶.

۱۶۵. *خلاصة الأقوال*، ص۶۳

۱۶۶. *معجم رجال الحدیث*، ج۲، ص۳۸.

۱۶۷. *رجال النجاشی*، ص۷۶.

۱۶۸. این کتاب، یک بار در دو جلد، به کوشش دار الکتب الإسلامیه قم، ۱۳۷۱ش، منتشر شده است و بار دیگـر، بـه همّت مجمـع جهانی اهل بیت، تحقیق و در دو جلد به چاپ رسیده است.

المحاسن، از بهترین کتاب‌های روایی شیعه به شمار می‌آید و برخی اهمیت و اعتبار این کتاب را در ردیف کتب اربعه دانسته‌اند. قاضی نور الله شوشتری (م ۱۰۹۱ ق) در جواب دشمنان شیعه ــ که منابع شیعیان را منحصر در چهار کتاب می‌شمردند ـ می‌گوید:

> این صحیح نیست و کتاب‌های شیعیان بیش از این است.

او سپس، بخشی از کتاب‌های شیعه را بر می‌شمرد و ضمن آنها از کتاب *المحاسن* برقی نیز نام می‌برد.[۱۶۹]

علامه مجلسی، کتاب *المحاسن* برقی را از اصول معتبر شیعه می‌داند.[۱۷۰] شیخ صدوق و کلینی نیز بر کتاب *المحاسن* اعتماد کرده و روایات بسیاری را از آن نقل می‌کنند.[۱۷۱] شیخ صدوق در آغاز *کتاب من لا یحضره الفقیه* می‌گوید:

> من احادیث این کتاب را از منابع مطمئن ـ که در میان فقهای شیعه مشهور است و به آن استناد و مراجعه می‌کنند ـ گرفته‌ام... مانند *المحاسن*، نوشته احمد بن ابوعبدالله برقی... . این کتاب، از اصول اوّلیه شیعه و از کتاب‌هایی است که سند من به آنها معروف است.[۱۷۲]

۲۵. کتب ثلاثین یا الفقه المکمّل،[۱۷۳] حسین بن سعید بن حمّاد کوفی اهوازی (م حدود ۲۷۵ ق).[۱۷۴]

وی از معاصران امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام[۱۷۵] و از راویان برجسته و موثّق امامیه است[۱۷۶] که بنا بر قول مرحوم مجلسی اوّل، در طبقه هفتم روات قرار می‌گیرد.[۱۷۷] او از اهالی کوفه بوده که برای نشر معارف اهل بیت علیهم السلام در اهواز ساکن شد و در اواخر عمر، به قم آمد و در همان جا وفات یافت.[۱۷۸] ابن‌ندیم در توصیف حسین بن سعید می‌نویسد:

> أوسع أهل زمانها بالفقه و الآثار و المناقب و غير ذلك من علوم الشيعة.[۱۷۹]

---

۱۶۹. *مصائب النواصب* (به نقل از *مقدمه المحاسن*، ج۱، ص۱۰).

۱۷۰. *بحار الأنوار*، ج۱، ص۲۷.

۱۷۱. *مقدمه المحاسن*، ج۱، ص۳.

۱۷۲. *کتاب من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص۴.

۱۷۳. *الذریعة*، ج۱۶، ص۲۹۷.

۱۷۴. *هدیة العارفین*، ج۱، ص۳۳۱. اتان کلبرگ و زرکلی، او را در سال سیصد هجری، زنده می‌دانند (*کتابخانهٔ ابن طاووس*، ص۲۱۹؛ *الاعلام*، ج۴، ص۱۰)؛ امّا با توجّه به آن که وی از راویان امام رضا علیه السلام بوده و بیشتر مصاحبتش با آن امام بوده است، نظر اسماعیل پاشا، صحیح‌تر به نظر می‌آید. برخی دیگر، سال وفات او را بین ۲۲۰ تا ۲۳۰ هجری می‌دانند (ر.ک: «تحقیق درباره کتاب الکافی»، *نامه آستان قدس*، ش۱۲، ص۲۰).

۱۷۵. *الفهرست*، طوسی، ص۱۱۲.

۱۷۶. *رجال الطوسی*، ص۳۵۵.

۱۷۷. *الذریعة*، ج۱۵، ص۱۴۸ (در *توصیف طبقات الرواة*، مرحوم محمّد تقی مجلسی). امّا بر طبق محاسبه آیة الله واعظزاده خراسانی، حسین بن سعید از صغار طبقه ششم محسوب می‌گردد (رک: «تحقیق درباره کتاب الکافی»، *نامه آستان قدس*، ش۱۲، ص۱۹).

۱۷۸. *الفهرست*، طوسی، ص۱۱۲؛ *لسان المیزان*، ج۲، ص۲۶۱.

۱۷۹. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۷۷.

گفتنی است که حسین بن سعید، کتاب‌های مورد بحث را با همراهی برادرش حسن نگاشته است. نجاشی، این کتب را ـ که از مصنّفات معتبر و مورد اعتماد شیعه بوده ـ به چند طریق نقل می‌کند.[180] شیخ طوسی و نجاشی، این کتب را با اندکی اختلاف، فهرست کرده‌اند که در اینجا به فهرست نجاشی بسنده می‌گردد: *کتاب الوضوء*، *کتاب الصلاة*، *کتاب الزکاة*، *کتاب الصوم*، *کتاب الحج*، *کتاب النکاح*، *کتاب الطلاق*، *کتاب العتق و التدبیر و المکاتبة*، *کتاب الأیمان و النذور*، *کتاب التجارات و الإجارات*، *کتاب الخمس*، *کتاب الشهادات*، *کتاب الصید و الذبائح*، *کتاب المکاسب*، *کتاب الأشربة*، *کتاب الزیارات*، *کتاب التقیة*، *کتاب الرد علی الغلاة*، *کتاب المناقب*، *کتاب المثالب*، *کتاب الزهد*، *کتاب المروّة*، *کتاب حقوق المؤمنین و فضلهم*، *کتاب تفسیر القرآن*، *کتاب الوصایا*، *کتاب الفرائض*، *کتاب الحدود*، *کتاب الدیات*، *کتاب الملاحم*، *کتاب الدعاء*.[181] از این مجموعه، *کتاب المؤمن* و *کتاب الزهد*، به انتشار رسیده‌اند.

علاوه بر این کتاب‌ها، برخی *کتاب النوادر* احمد بن محمّد عیسی اشعری را هم به حسین بن سعید نسبت داده‌اند.[182]

از امتیازات کتب حسین بن سعید، آن است که میزانی در سنجش صحّت و سقم دیگر کتب محسوب می‌شده است؛ به طوری که دانشمندان علم رجال، کتب بسیاری را به کتب حسین بن سعید تشبیه کرده‌اند[183] و این ویژگی، درباره دیگر کتب متقدّمان به چشم نمی‌خورد.

۲۶. الجامع فی الحدیث،[184] ابوجعفر محمّد بن احمد بن یحیی بن عمران الأشعری القمّی (م حدود ۲۸۰ ق).[185] وی از فقیهان و محدّثان موثّق امامیه بوده که جز آن که از ضعفا روایت نقل می‌کرده، به مراسیل هم اعتماد می‌کرده است.[186]

شیخ طوسی، کتاب *نوادر الحکمة* را ـ که شامل بیست و دو کتاب و اغلب در موضوعات فقهی است ـ از آثار او بر می‌شمرد.[187] نجاشی در توصیف این کتاب می‌نویسد:

> *نوادر الحکمة* کتابی نیک و بزرگ است. قمی‌ها آن را با عنوان «دبّة شبیب» می‌شناسند... . در قم، شخصی به نام شبیب بوده است. این شخص، ظرفی چندخانه داشته و هر نوع روغنی که مردم می‌خواسته‌اند، از آن ظرف به آنان می‌داده است.[188]

---

۱۸۰. *رجال النجاشی*، ص۵۸.

۱۸۱. همان.

۱۸۲. ر.ک: *مقدمه کتاب النوادر*، ص۹.

۱۸۳. ر.ک: *معالم العلماء*، ص۱۳۷ (در توصیف محمّد بن سنان و محمّد بن حسن صفار) و ص۱۳۸ (در توصیف محمّد بن علی الصیرفی) و ص۱۶۷ (در توصیف یونس بن عبدالرحمان)؛ *رجال النجاشی*، ص۲۵۳ (در توصیف علی بن مهزیار). قابل توجّه آن که کتب علی بن مهزیار از نظر عناوین، تقریباً همانند کتب حسین بن سعید است، جز آن که وی چند کتاب مانند *کتاب البشارات*، *کتاب الأنبیاء* بر آن افزوده است.

۱۸۴. *الذریعة*، ج۵، ص۲۹.

۱۸۵. *هدیة العارفین*، ج۲، ص۲۰.

۱۸۶. *رجال النجاشی*، ص۳۴۸؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۱۶، ص۴۸.

۱۸۷. *الفهرست*، طوسی، ص۲۲۱.

نگاشته دیگری که ابن ندیم به آن اشاره می‌کند، کتاب *الجامع* است که آن نیز شامل ابوابی در فقه است؛[189] امّا آقابزرگ تهرانی چنین حدس زده که کتاب *الجامع* همان *نوادر الحکمة* اشعری است[190] و نقل ابن طاووس از آن، به واسطهٔ کتاب *المرشد* شیخ صدوق است.[191]

به هر حال، مسلّم است که وی کتابی در ابواب فقهی داشته و آن، از منابع ***کتاب من لا یحضره الفقیه*** بوده است. نمونه‌های دیگری از روایات او در کتب دیگری نظیر ***إعلام الوری، مختصر بصائر الدرجات*** و... آمده است.[192]

۲۷. الجامع الکبیر فی الفقه، ابراهیم بن محمّد بن سعید بن هلال بن عاصم بن سعد بن مسعود الثقفی (م ۲۸۳ ق)، مورّخ، محدّث، مفسّر و فقیه امامی. نیای چهارم وی، سعد بن مسعود، عموی مختار ثقفی، از جانب امیرمؤمنان ﷺ والی مداین بوده است. امام حسن ﷺ نیز در روز ساباط (جنگ معاویه با امام حسن ﷺ) به منزل وی پناه برد.[193]

ثقفی، ابتدا در کوفه زندگی می‌کرد و زیدی مذهب بود، امّا بعدها به مذهب امامیه گروید و به اصفهان مهاجرت کرد. دربارهٔ سبب هجرت او به اصفهان گفته‌اند که برخی از دانشمندان کوفه، کتاب *المعرفة* او را ـ که در مناقب اهل بیت و مثالب دشمنان ایشان نگاشته بود ـ خلاف تقیّه دانستند و او سوگند یاد کرد که این کتاب را در اصفهان ـ که دورترین شهر از عقاید شیعه است ـ منتشر نماید.[194] از این رو، وی کوفه را ترک کرد و به قصد نشر و ترویج آرای شیعه، در اصفهان اقامت گزید. علمای شیعه، ثقفی را ستوده‌اند و او را از راویان ثقه و ممدوح می‌دانند؛[195] امّا برخی از دانشمندان اهل سنّت، او را به سبب شیعه بودن، جرح کرده‌اند و او را غالی در تشیّع خوانده‌اند.[196]

مؤلّف این جامع، از نویسندگان نامی عصر خود بوده که بیش از پنجاه کتاب نگاشته[197] و از این میان، تنها *الغارات* ـ که شرح یورش‌های لشکر معاویه و تجاوزات آنان به قلمرو حکومت امیر مؤمنان ﷺ بعد از جنگ نهروان و تاریخ دوره پایانی خلافت حضرت علی ﷺ است ـ[198] بر جای مانده است.

۱۸۸. *رجال النجاشی*، ص۳۴۸ ـ ۳۴۹. گفتنی است که «دبّه»، ظرفی شیشه‌ای است که در آن، روغن نگهداری می‌کنند (*المعجم الوسیط*، ذیل ماده دب).

۱۸۹. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۷۷.

۱۹۰. *الذریعة*، ج۵، ص۲۹.

۱۹۱. *إقبال الأعمال*، ج۳، ص۲۶۳.

۱۹۲. ر.ک: *کتاب‌خانه ابن‌طاووس*، ص۳۲۳ و ۳۲۴.

۱۹۳. *رجال النجاشی*، ص۱۷؛ *الفهرست*، طوسی، ص۳۶.

۱۹۴. همان.

۱۹۵. ر.ک: *معجم رجال الحدیث*، ج۱، ص۲۵۸.

۱۹۶. *ذکر اخبار اصبهان*، ج۱، ص۱۸۷؛ *لسان المیزان*، ج۱، ص۱۰۳.

۱۹۷. برای اطلاع از کتب او، ر.ک: *رجال النجاشی*، ص۱۷ ـ ۱۸؛ *الفهرست*، طوسی، ص۳۷؛ *معالم العلماء*، ص۳۹ و ۴۰؛ *معجم رجال الحدیث*، ج۱، ص۲۵۶؛ *أعیان الشیعة*، ج۲، ص۲۰۹.

۱۹۸. *مقدمه الغارات*، ص۳.

الجامع الکبیر فی الفقه، *الجامع الصغیر* و *جامع الفقه و الأحکام*، از آثار فقهی اوست[199] که هر سه، در زمره کتب جوامع محسوب می‌گردد. نجاشی، کتاب اخیر را با سه واسطه (ابن عبدون عن ابن الزبیر عن المستملی عن المؤلف الثقفی)[200] روایت کرده و دو کتاب *الجامع الکبیر* و *الجامع الصغیر* را با سندی دیگر نقل می‌نماید. از این رو، آشکار می‌گردد که این سه، مؤلّفات جداگانه‌ای بوده‌اند. اثر فقهی دیگر ثقفی، کتاب *الحلال والحرام*[201] است که تا قرن هفتم موجود بوده و ابن طاووس از آن نقل می‌نماید؛[202] امّا به اشتباه، نام وی را اسحاق بن ابراهیم ثقفی، ثبت کرده است. باید خاطر نشان کرد که از این نگاشتهٔ ابراهیم ثقفی، تنها در کتاب *اقبال* و *الذریعة*، نامی به میان آمده و در دیگر کتب رجال و تراجم، ذکری از آن به چشم نمی‌خورد. شاید بتوان گفت که این کتاب، عنوان دیگری برای همان *جامع الفقه و الأحکام* است که نجاشی از آن یاد کرده است.[203]

۲۸. الجامع، بکار بن احمد. شیخ طوسی در *الفهرست*، افزون بر این نگاشته، کتب دیگری را برای او برشمرده است که عبارت‌اند از: کتاب الزکاة، کتاب الحج، کتاب الطهارة، کتاب الجنائز.[204] همو در *الرجال* خویش از بکار بن احمد بن زیاد، در باب «فی من لم یرو عن واحد من الأئمة علیهم السلام» یاد کرده است[205] که به سبب اختلاف راویان این دو، گمان برده‌اند که این نام، به دو تن تعلّق دارد؛ امّا بنا بر این که در هر دو کتاب، شیخ علی بن محمّد بن زبیر قرشی، از راویان اوست، می‌توان گفت که این عناوین، به یک فرد مربوط است.[206] با این همه، درباره این فرد، اطلاع بیشتری در کتب تراجم و رجال نیامده است و طرق شیخ طوسی نیز به آن ضعیف است.[207]

۲۹. الجامع فی الفقه، محمّد بن علی بن محبوب اشعری قمی (اواخر قرن سوم).[208] وی فقیه نامور و پیشوای اهل قم در روزگار خود بود.[209] نجاشی، در فهرست آثار او، کتب مختلفی را در موضوعات فقهی یاد می‌کند؛[210] امّا شیخ طوسی، این کتب را ابواب کتاب *الجامع* او می‌داند و برخی از بخش‌های آن را چنین بر می‌شمرد: کتاب الوضوء، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصیام و کتاب الحج.[211] اثر دیگر

۱۹۹. *رجال النجاشی*، ص۱۷.
۲۰۰. همان، ص۱۸؛ *الذریعة*، ج۵، ص۶۵.
۲۰۱. *الذریعة*، ج۵، ص۶۵.
۲۰۲. *إقبال الأعمال*، ج۱، ص۵۶.
۲۰۳. *کتابخانه ابن طاووس*، ص۲۹۱.
۲۰۴. *الفهرست*، طوسی، ص۸۶.
۲۰۵. *رجال الطوسی*، ص۴۱۷.
۲۰۶. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۲، ص۴۵؛ *أعیان الشیعة*، ج۳، ص۵۸۸.
۲۰۷. *معجم رجال الحدیث*، ج۴، ص۲۴۳.
۲۰۸. *کتابخانه ابن طاووس*، ص۴۴۵.
۲۰۹. *رجال النجاشی*، ص۳۴۹.
۲۱۰. همان.
۲۱۱. *الفهرست*، طوسی، ص۲۲۲.

اشعری ـ که مشابه کتاب *الجامع* اوست ـ ، کتاب *الضیاء و النور* است که شامل ابواب نکاح، طلاق، رضاع،حدود و دیات بوده[212] و با ابواب دیگری که نجاشی به بیان آنها می‌پردازد، هم‌خوانی دارد.

ابن شهر آشوب، *الجامع و النور و الضیاء* را کتاب‌هایی مستقل تلقی کرده و *الجامع* را شامل عبادات، *النور* را شامل معاملات می‌داند و محتوای *الضیاء* را بیان نکرده است؛[213] امّا برداشت شیخ آقابزرگ تهرانی از گفتار شیخ طوسی، که کتاب *الجامع* او شامل ابواب وضو تا دیات[214] و کتاب الضیاء و النور نیز عناوین بخش‌هایی دیگر از کتاب است ـ که فصول عبادات و معاملات را از یکدیگر جدا می‌نماید ـ صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

۳۰. کتب ثلاثین، موسی بن حسن بن عامر بن عبد الله بن سعد اشعری قمی. او را با الفاظی از قبیل «ثقه»، «عین» و «جلیل» توصیف کرده‌اند.[215] وی صاحب سی کتاب بوده که برخی از آنها عبارت‌اند از: کتاب الطلاق، کتاب الوصایا، کتاب الفرائض، کتاب الفضائل، کتاب الحج، کتاب الرحمة (که همان کتاب الوضوء است)، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الحج، کتاب الصیام، کتاب یوم و لیلة، کتاب الطب.[216] این کتاب‌ها را عبد الله بن جعفر حمیری ـ که در سال ۲۹۷ ق، به کوفه آمده ـ ، روایت کرده است.[217]

۳۱. الجامع فی أنواع الشرایع، حمید بن زیاد بن حماد دهقان (م ۳۱۰ ق). وی از مصنّفان و محدّثان موثّق کوفی است که در سورا و نینوا می‌زیسته و از بزرگان واقفه بوده[218] و روایتش را در صورت نبود معارض، مقبول شمرده‌اند.[219]

وی را از جمله معمّرین شمرده‌اند؛ به طوری که از جابر جعفی (م ۱۳۲ ق) و ابو حمزه ثمالی (م ۱۵۰ ق) با یک واسطه روایت می‌کند.[220] با این حال، شیخ طوسی، نامش را در زمره کسانی که از ائمّه روایت نکرده‌اند، یاد می‌کند.[221] او راوی بسیاری از کتب اصول و صاحب تألیفات بسیار بوده است؛ چندان که شماره مصنّفات او را به تعداد کتب اصول دانسته‌اند.[222] شیخ طوسی، از کتب او از سه طریق و به دو واسطه روایت می‌کند؛[223] امّا درباره آثار او اطّلاعی در دست نیست.

۳۲. محمّد بن مسعود بن عیّاش سلمی سمرقندی، معروف به عیّاشی (م ۳۲۰ ق).[224] وی از دانشمندان

---

۲۱۲. همان.

۲۱۳. *معالم العلماء*، ص۱۳۸.

۲۱۴. *الذریعة*، ج۵، ص۱۳۰.

۲۱۵. *رجال النجاشی*، ص۴۰۶.

۲۱۶. همان.

۲۱۷. *رسالة فی آل أعین*، ص۵۱؛ *رجال الطوسی*، ص۴۴۹؛ *الذریعة*، ج۶، ص۲۵۴.

۲۱۸. *رجال النجاشی*، ص۱۳۲.

۲۱۹. *خلاصة الأقوال*، ص۱۲۹.

۲۲۰. *الذریعة*، ج۲، ص۱۴۸.

۲۲۱. *رجال الطوسی*، ص۴۲۱.

۲۲۲. *الفهرست*، طوسی، ص۱۱۴.

۲۲۳. همان.

۲۲۴. *الأعلام*، ج۷، ص۹۵.

اواخر قرن سوم هجری به شمار می‌رود. او نزد گروهی از مشایخ کوفه، قم و بغداد حدیث آموخت. وی خانه خود را کانون اجتماعات و مرکز دانش شیعه قرار داد و تمامی مبلغ سیصد هزار دیناری را ــ که از پدرش به ارث برده بود ـ در راه ترویج علم و حدیث صرف نمود. او در جوانی، بر مذهب عامّه بوده و پس از مدتی، مستبصر شد و به مذهب تشیّع گروید.[۲۲۵] او استاد ابو عمرو کشی[۲۲۶] (صاحب رجال) و هم‌طبقه کلینی بوده است.[۲۲۷] عیّاشی دارای کتب بسیاری بوده که شماره آن را تا دویست کتاب دانسته‌اند. وی چون از دانشوران شرق جهان اسلام بوده، آثارش در نواحی خراسان اهمیت بسیار داشته[۲۲۸] و تلاش‌های علمی او در سمرقند چشمگیر است.

رجال‌شناسان، وی را از راویان صدوق و ثقه می‌دانند که از ضعفا، نقل حدیث کرده است.[۲۲۹] شیخ طوسی، او را با عباراتی نظیر: «جلیل القدر»، «واسع الأخبار»، «بصیر بالروایات و مطّلع علیها» توصیف می‌کند.[۲۳۰]

اگرچه در میان کتب او، تألیفی که با عنوان «الجامع» باشد، ملاحظه نمی‌گردد، امّا سبب ذکر او در زمره جامع‌نگاران، از آن روست که وی در بیشتر ابواب فقه و غیر آن (همچون تفسیر، حدیث، تاریخ، نجوم، طب و سیره)، مصنّفاتی را از خود بر جای نهاده است.[۲۳۱] افسوس که آثار این دانشور فرزانه، از گزند حوادث در امان نماند و جز بخشی از تفسیر وی در اختیار نیست.

نتیجه

اکنون، در نتیجه این جستجوی گسترده، با اطمینان می‌توان گفت چهار کتابی که *الکافی* کلینی، پیش‌قراول آنهاست، برخلاف پندار بسیاری از کسان، به معنای مطلق کلمه، «کهن‌ترین جوامع حدیثی شیعه» نیستند، بلکه پیش از مصنّفان این کتاب‌ها، شمار چشمگیری از اصحاب ائمه علیهم السلام و غیر ایشان، به تألیف جوامع یا کتاب‌هایی مبوّب دست زده‌اند. در واقع باید گفت که تألیف مصنّفات حدیثی شیعه نیز مثل هر رشته علمی دیگر، مسیر نقص به کمال، بساطت، سادگی و خامی به ترکیب، پیچیدگی و پختگی را پیموده است؛ بدین معنا که اصحاب ائمّه علیهم السلام در گام نخست، به ثبت و ضبط احادیث، در دفترهایی اقدام کرده‌اند که فهرست‌نگاران، آنها را «اصول» خوانده‌اند. احادیث مندرج در این دفترها، دسته‌بندی نشده و فاقد نظم و ترتیب بوده است. در مرحله بعد، محدّثانی که احوال و آثارشان به اختصار گذشت، ضرورت دسته‌بندی و تبویب آن احادیث پراکنده را دریافتند و در نتیجه، به تدوین و تصنیف جوامع مورد بحث، اقدام کردند.

---

۲۲۵. *رجال النجاشی*، ص۳۵۰.
۲۲۶. همان، ص۳۷۲.
۲۲۷. *الذریعة*، ج۴، ص۲۹۵.
۲۲۸. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۴۴.
۲۲۹. *رجال النجاشی*، ص۳۵۰.
۲۳۰. *الفهرست*، طوسی، ص۲۱۲.
۲۳۱. ر.ک: *رجال النجاشی*، ص۳۵۱ ـ ۳۵۲؛ *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۴۴ ـ ۲۴۶.

در مرحله سوم، کلینی و دیگر مصنّفان کتب اربعه، با بهره‌گیری از تجربیاتی که حاصل کار جامع‌نویسان سده‌ها و دهه‌های پیشین بوده است، گام بلندتری را در این زمینه برداشتند و جوامعی بس پیراسته‌تر، منظّم‌تر و شامل‌تر را در دسترس جامعه شیعه نهادند.

کتابنامه

- *إختيار معرفة الرجال (رجال الكشّي)*، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي)، تصحيح و تعليق: مير داماد الأسترآبادي، تحقيق: السيّد مهدي الرجائي، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
- *الاعلام*، خيرالدين الزركلي، بيروت: دار العلم للملايين، ۱۹۸۰ م.
- *الإقبال بالأعمال الحسنة في ما يعمل مرّة في السنة*، علي بن موسى الحلّي (السيّد ابن طاووس)، تحقيق: جواد القيّومي الأصفهاني، قم: مكتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۱۴ ق.
- *الأنساب*، عبد الكريم بن محمّد السمعاني، تحقيق: عبد الله عمر البارودي، بيروت: دار الجنان، ۱۴۰۸ ق.
- *أعيان الشيعة*، السيد محسن الأمين، تحقيق: حسن الأمين، بيروت: دار التعارف للمطبوعات.
- *أمل الآمل*، محمّد بن الحسن الحرّ العاملي، بغداد: مكتبة الأندلس.
- *بحار الأنوار*، محمّد باقر بن محمّد تقي المجلسي (العلامة المجلسي)، تحقيق: عبد الرحيم الربّاني الشيرازي، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
- «بررسی حجّيت مراسيل ابن ابی عمير»، محمّد تقی دياری بيدگلی، **پژوهش‌های قرآن و حديث**، ش۱، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
- *التاريخ الكبير*، ابو عبد الله محمّد بن اسماعيل البخاري، ديار بكر: المكتبة الإسلاميه.
- *التبيين لأسماء المدلّسين*، سبط ابن العجمي، تحقيق: يحيى شفيق، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۶ ق.
- *التحرير الطاووسي*، حسن بن زين الدين الشهيد الثاني، تحقيق: فاضل الجواهري، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۱۱ ق.
- *تذكرة الحفّاظ*، محمّد بن أحمد الذهبي، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- *تنقيح المقال في علم الرجال*، عبدالله بن محمّد حسن المامقاني، نجف: مطبعة المرتضوي، ۱۳۵۲ ق.
- *تهذيب الأحكام*، محمّد بن الحسن الطوسي (الشيخ الطوسي) تحقيق: السيّد حسن الموسوي الخرسان، تهران: دار الكتب الإسلاميه، ۱۳۶۵ ش.
- *تهذيب الكمال في أسماء الرجال*، يونس بن عبد الرحمان المزّي، تحقيق: بشار عوّاد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
- *الجرح و التعديل*، عبد الرحمان بن محمّد ابن أبي حاتم، مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۹۵۲ م.
- *خلاصة الأقوال في علم الرجال*، حسن بن يوسف الحلّي (العلامة الحلّي)، تحقيق: الشيخ جواد القيّومي، مؤسسة النشر الإسلامي و مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.
- *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زير نظر: كاظم موسوی بجنوردی، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش.

ـ *دانش درایة الحدیث*، محمّد حسن ربانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.

ـ *الذریعة إلی تصانیف الشیعة*، محمّد محسن بن علی المنزوی (آقابزرگ الطهرانی)، بیروت: دار الأضواء.

ـ *ذکر أخبار إصبهان*، احمد بن عبد الله الأصبهانی (ابو نعیم)، تحقیق: سون ددرینگ، لیدن هلند: بریل، ۱۹۳۴ م.

ـ *الرجال*، احمد بن الحسین ابن غضائری، تحقیق: السید محمّد رضا الجلالی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۰ ش.

ـ *الرجال*، أحمد بن محمّد بن خالد البرقی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.

ـ *رجال ابن داوود*، حسن بن علی بن داوود الحلّی، تحقیق: السید محمّد صادق آل بحر العلوم، نجف: منشورات مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ ق.

ـ *رجال الطوسی*، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی)، تحقیق: جواد القیّومی الأصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.

ـ *رجال النجاشی (فهرس أسماء مصنّفی الشیعة)*، أحمد بن علی النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.

ـ *رسائل الشریف المرتضی*، علی بن حسین موسوی علم الهدی (السیّد المرتضی)، تقدیم و اشراف: السیّد أحمد الحسینی، إعداد: السید مهدی الرجائی، بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.

ـ *رسالة فی آل أعین*، ابو غالب الزراری، تحقیق: محمّد علی الموسوی الموحد الأبطحی الأصفهانی، مطبعة ربّانی، ۱۳۹۹ ق.

ـ *الزهد*، حسین بن سعید الکوفی الأهوازی، تحقیق: میرزا غلام رضا عرفانیان، قم: مطبعة العلمیة، ۱۳۹۹ق.

ـ *سیر أعلام النبلاء*، محمّد بن أحمد الذهبی، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت: موسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

ـ *الصحاح*، اسماعیل بن حمّاد الجوهری، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.

ـ *الضعفاء و المتروکین*، أحمد بن علی النسائی، بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر، ۱۴۰۶ ق.

ـ *الطبقات الکبری*، محمّد بن سعد کاتب الواقدی، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر.

ـ *طبقات المدلسین*، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر)، تحقیق: عاصم بن عبد الله القریونی، اردن: مکتبة المنار.

ـ *الغارات*، إبراهیم بن محمّد الثقفی، تحقیق: جلال الدین محدّث ارموی، تهران: چاپخانه بهمن، ۱۳۵۵ق.

ـ *الغدیر*، عبدالحسین الأمینی، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۹۷۷ م.

ـ *الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق* علیه‌السلام، عبدالحسین الشبستری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ ق.

- «حسن بن محبوب کوفی»، محمّد باقر بهبودی، *فصل‌نامه فقه*، ش ۱۱ ـ ۱۲، فروردین ۱۳۷۶.
- *الفوائد الرجالیة*، السیّد محمّد مهدی بحر العلوم، تحقیق و تعلیق: محمّد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران: مکتبة الصادق، ۱۳۶۳ ش.
- *الفهرست*، ابو الفرج محمّد بن اسحاق الورّاق (ابن الندیم)، تحقیق: محمّد رضا تجدّد، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۰ ش.
- *الفهرست*، محمّد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) تحقیق: جواد القیّومی الأصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- *قاموس الرجال*، الشیخ محمّد تقی التُستری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- *الکافی*، أبوجعفر محمّد بن یعقوب الکلینی، تصحیح: علی أکبر الغفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ ش.
- «تحقیق درباره کتاب کافی»، محمّد واعظزاده خراسانی، *نامه آستان قدس*، ش ۲ ـ ۱۲، دی ۱۳۳۹ ـ خرداد ۱۳۴۱ ش.
- *الکامل فی ضعفاء الرجال*، عبد الله بن عدی الجرجانی، تحقیق: یحیی مختار الغزاوی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- *کتاب النوادر*، احمد بن محمّد بن عیسی الأشعری، قم: مدرسة الإمام المهدی(عج) ۱۴۰۸ ق.
- *کتابخانهٔ ابن طاووس*، اتان کلبرگ، ترجمه: سیّد علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتاب‌خانه عمومی آیة الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.
- *کتاب من لا یحضره الفقیه*، أبو جعفر محمّد بن علی بن بابویه القمّی (الشیخ الصدوق)، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- *کلّیات فی علم الرجال*، جعفر سبحانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- *لسان المیزان*، أحمد بن علی العسقلانی (ابن حجر)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱ م.
- *المحاسن*، أحمد بن محمّد بن خالد البرقی، تحقیق: جلال الدین الحسینی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۳۰ ش.
- *مدخل إلی علم الفقه عند المسلمین الشیعة*، علی خازم، بیروت: دارالغربة، ۱۴۱۳ ق.
- *مستدرکات علم رجال الحدیث*، علی نمازی شاهرودی، تهران: چاپ‌خانه حیدری.
- *معالم العلماء*، أبو جعفر محمّد بن علی السروی المازندرانی (ابن شهر آشوب)، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۹۶۱ م.
- *المعتبر فی شرح المختصر*، نجم الدین أبی القاسم جعفر بن الحسن (المحقق الحلّی)، قم: مؤسسة سید الشهداء(ع) ۱۳۶۴ ش.
- *معجم البلدان*، یاقوت بن عبدالله الحموی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ ق.

ـ *المعجم الوسیط*، ابراهیم أنیس و آخرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
ـ *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، [آیة الله] السیّد أبو القاسم الموسوی الخوئی، بیروت: دار إحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
ـ *معجم مصطلحات الرجال و الدرایة*، محمّدرضا جدیدی‌نژاد، به اشراف: محمّد کاظم رحمان‌ستایش، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۴ ق.
ـ *المفید من معجم رجال الحدیث*، محمّد جواهری، قم: مکتبة المحلاتی، ۱۴۲۴ ق.
ـ «مناظرات مذهبی شیعه»، محمود فاضل یزدی، *مقالات فارسی*، ش ۴۹، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
ـ *مقباس الهدایة*، عبدالله بن حسن المامقانی، تلخیص: علی اکبر غفاری، تهران: جامعة الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۶۹ ش.
ـ *مکتب حدیثی قم*، محمّدرضا جباری، قم: زائر، ۱۳۸۴ ش.
ـ *الملل و النحل*، محمّد بن عبد الکریم بن أحمد الشهرستانی، تحقیق: محمّد سید گیلانی، بیروت: دار المعرفة.
ـ *منهج النقد فی علوم الحدیث*، نورالدین عتر، دمشق: دار الفکر، ۱۹۹۷ م.
ـ *میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری*، سیّد حسن مدرّسی طباطبایی، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ ش.
ـ *میزان الاعتدال*، محمّد بن أحمد الذهبی، تحقیق: علی محمّد البجاوی، بیروت: دار المعرفة.
ـ *المؤمن*، حسین بن سعید الأهوازی، قم: مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه، ۱۴۰۴ ق.
ـ *نقد الرجال*، السیّد مصطفی بن حسین التفرشی، قم: مؤسسة آل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
ـ *هدیة العارفین*، اسماعیل پاشا بن محمّد أمین البغدادی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.